اسلوونیا به دوستان جدید نیاز دارد

به نظر می‏رسد اسلوونیا این کشور کوچک،در حال حاضر فرسنگها از جنگی‏ که در آن منطقه جریان دارد به دور است. در اسلوونیا انسان گمان دارد که در سویس‏ بسر می‏برد.در مرز شهر کوچک‏"لوبلیانا" پایتخت این کشور کوچک و زیبا،به جای‏ مجسمه‏های غول‏آسای ژنرال‏ها و نظامیان که به‏طور معمول در بیشتر شهرهای اروپای غربی چشمان حساس‏ آدمی را گاه رنج و گاه نوازش می‏دهند، تندیس یک شاعر محلی زینت‏بخش‏ میدان شهر است.

با این حال باید یادآور شد که تنها چند کیلومتر به سوی جنوب آتش جنگی‏ خانمانسوز سرزمین‏هایی را فراگرفته‏ است که در گذشته،بخشی از سرزمین یا کشور اسلوونیا محسوب می‏شده است. نخست‏وزیر اسلوونیا"یانس درنوسک‏" ( Yanez dernovsek )با شتابی درخور تحسین حساب کشور کنونی اسلوونیا را از یوگوسلاوی سابق جدا کرده است.

وی بر این باور است و می‏گوید:ما را با کشور پیشین یوگوسلاوی کاری نیست. هیچگونه درگیری با آن کشور درگیر جنگ‏ و ستیز نداریم.وی با شادی و مسرت‏ اضافه می‏کند:بخت با ما یاری کرد و به‏ موقع از آن خارج شدیم.

اکنون چنانچه نگرانی از پیوستن‏ اسلوونیا به جامعه اروپا،ناشی از اوضاع‏ کنونی کشورهای بالکان و جنگ چندین‏ ساله آنها باشد،با خیال آسوده می‏توان‏ این نگرانیها را کنار نهاد.باید به یادداشت‏ که مردمان اسلوونیا این سرزمین کوچک و زیبا،پیش از جدایی از از یوگوسلاوی سابق، حدود 5 سال پیش و در حالیکه هنوز زیر سلطه رژیم کمونیستی حاکم بر آن‏ سرزمین بسر می‏بردند،به گونه‏ای بیش‏ از مردمان کشورهای غربی از ویژگیهای‏ اروپای غربی برخوردار بودند.مرزهای‏ اسلوونیا با اتریش و ایتالیا تقریبا همواره‏ باز بود و مردم قادر بودند محصولات‏ کشورهای غربی را بدون کمترین‏ محدودیتی خریداری کنند و از برنامه‏های‏ تلویزیونی ایتالیا و اتریش بهره‏مند شوند. "اوتوفن هابسبورگ‏" Habsbur) (Otto von به درستی به یاد می‏آورد: زمانی که دولت بلگراد پس از تجزیه‏ یوگوسلاوی امور اقتصادی و سپرده‏های‏ کشور را به عهده گرفت از دولت اسلوانی‏ سؤال شد آیا این اقدام تاثیری منفی بر اقتصاد آن کشور به جا خواهد گذاشت یا نه؟پاسخ منفی بود.

نکته درخور توجه اینکه در گذشته نیز مقامات دولتی اسلوونیا با دوراندیشی و کیاست ویژه خود،همواره ذخیره‏های پولی‏ خود را به شلینگ اتریش تبدیل و نگاهداری می‏کردند.اکنون اتریش به‏ عنوان همسایه شمالی و دوست دیرین‏ اسلوونیا در شمار مهمترین حامیان‏ اسلوونیا محسوب می‏شود.اتحادیه اروپا بدون کوچکترین نگرانی و تأملی می‏تواند اسلوونیا را به عضویت بپذیرد.

اسلوونیا کشوریست کوچک،اما با اقلیتی‏ یکدست و اقتصادی بسیار با ثبات و مستحکم.موقعیت جغرافیایی اسلوونیا بسیار ممتاز است(در این منطقه و به طور کلی میان کشورهای اروپای مرکزی پیش‏ از این دارای اقتصاد متمرکز دولتی،تنها جمهوری چک دارای اقتصادی با ثبات‏تر از اسلوونیا می‏باشد)با این همه، سرمایه‏گذاری خارجی هنوز در این کشور به خوبی جا نیفتاده است.شاید یکی از دلائل تمایل ناچیز سرمایه‏گذاران‏ خارجی به سرمایه‏گذاری در این کشور، افزون بر بالا بودن دستمزدها،بسته بودن‏ مرزهای این کشور و جنگ جاری در کشورهای بالکان باشد.

در نتیجه تردید نیست که بدین‏سان‏ برنامه خصوصی‏سازی نمی‏تواند در این‏ کشور از رشدی درخور توجه برخوردار باشد.هر چند گفته می‏شود حدود 40 درصد از کل تولیدات این کشور در دست بخش خصوصی متمرکز است.

آقای‏"درنوسک‏"نخست‏وزیر لیبرال‏ دموکرات و بسیار محبوب اسلوونیا که از مایت فراوان،میان مردم آن کشور برخوردار است،این مشکلات را به‏ هیچوجه سدی برای پیوستن کشورش به‏ اتحادیه اروپا نمی‏داند.برعکس وی بر این باور است که چنانچه جمهوریهای‏ "چک‏"و"اسلوانی‏"در پیوستن به اتحادیه‏ اروپا از خود شتاب بیشتری نشان دهند، روند کار برای اروپائیان به مراتب ساده‏تر خواهد شد.

از نگر منطقی،ممکن است دولت‏ اسلوونیا در نهایت به این نتیجه برسد که‏ ورود به اروپای متحد یا اتحادیه اروپا تنها از طریق پیوستن به گروه( VISEGARO ) چهار امکان‏پذیر خواهد بود.دلیل این باور این است که این آقایانی که در مرکز اتحادیه اروپا اجلاس فرموده‏اند،هنوز نتوانسته‏اند شکل بهتر یا دیگری از این‏ گروه را برای خود ترسیم نمایند.

به‏هرحال با در نظر گرفتن همهء نکات‏ مثبتی که این کشور برای پیوستن به‏ اتحادیه اروپا دارا می‏باشد،اسلوانی‏ها به‏ واقعیت موضوع نیک آگاهند،زیرا آنها می‏دانند مسائل دیگری وجود دارد که این‏ پیوند را سد کرده است.یکی از این‏ مشکلات،کشور همسایه آنها یعنی ایتالیا می‏باشد.

در اینجا برخلاف آلمان که مسائل خود را با دولت‏های لهستان و چک با گشاده‏روئی و گشاده‏دستی ویژه حل و فصل می‏کنند،ایتالیا هنوز از ادعای خود بر سرزمین‏"ایستریا"( ISTRIA )چشم‏ نپوشیده است.چنین پیداست که ریشه‏ این اختلاف را باید در موافقتنامه سال‏ 1945 هابسبورگ جستجو کرد.زیرا بر پایه این موافقتنامه دولت یوگسلاوی‏ اتباع ایتالیا را در پایان جنگ جهانی دوم‏ از سرزمین‏"ایستریا"اخراج کرد.ایستریا، سرزمین کوچک زیبایی است که در گذشته جزئی از کشور ایتالیا محسوب‏ برگرفته از هفته‏نامه اکونومیست‏ 18 نوامبر 1955-مهرآفرین

می‏شده است و از جمله خوش‏آب و هواترین مناطق ییلاقی دریای آدریاتیک‏ به شمار می‏رود،با وجود آنکه در سال‏ 1945 ایتالیای مغلوب جنگ جهانی دوم، به اجبار بر سر این منطقه با یوگسلاوی به‏ توافق رسید،اما اکنون در پی به استقلال‏ رسیدن اسلوانی،ایتالیا بار دیگر در اندیشه‏ باز پس گرفتن آن از این کشور کوچک‏ تازه به استقلال رسیده نغمه‏هایی‏ ناخوشایند سر داده است.اما قانون اساسی‏ جدید اسلوونیا هرگونه مالکیت زمین از سوی بیگانگان را در کشور منع کرده است.

اکنون ایتالیا با اندیشه باز پس گرفتن‏ "ایستریا"از اسلوونیا تمامی اقدامات‏ اسلوونیا را برای پیوستن به اتحادیه اروپا سد کرده است.اسلوونیا این اقدامات‏ خصمانه ایتالیا را به نوعی،درخواست حق‏ السکوت از سوی ایتالیا تلقی کرده،بر این‏ باور است که مسئله‏"ایستریا"در همان‏ سال 1945 حل‏وفصل شده است. بنابر این تردید نیست که پافشاری دولت‏ ایتالیا در این ماجرا دارای دلائل سیاسی و ملی می‏باشد.اما آنچه مسلم است و جای‏ تاسف،این‏که برای بدست آوردن چند ویلای تفریحی در کناره دریای آدریاتیک‏ اتحادیه اروپا باید قربانی و تضعیف شود. نمونه دیگر آن رفتار ناخوشایند یونان در رابطه با مقدونیه است که هم نام یکی از ایالات کشور یونان است.